یادداشت

چند سؤال از خانم سخنگو

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

سخنگوی دولت اخیراً از «دست یاری دولت به سوی بخش خصوصی» سخن گفته و تأکید کرده است که «اصلاحات اقتصادی زمانی به ثمر می‌نشیند که همه ظرفیت‌های کشور اعم از دولت، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی در کنار هم قرار گیرند.» این اظهارات، در نگاه نخست، نویدبخش توجه دولت به ظرفیت‌های متنوع کشور برای پیشبرد توسعه اقتصادی است، اما واکاوی فرامتن آن چند سؤال اساسی پیش روی ما می‌گذارد؛ اینکه آیا این تأکید بر نقش بخش خصوصی، نشانه‌ای از درک عمیق دولت از مسئولیت‌های خود است یا تلاشی برای واگذاری وظایف حاکمیتی به بهانه همکاری؟ آیا این رویکرد، راهی برای پویایی اقتصاد است یا پوششی برای کمرنگ کردن نقش دولت در اجرای وظایفش؟

اصل ۴۴ قانون اساسی کشورمان به وضوح چارچوب فعالیت‌های اقتصادی در کشور را مشخص کرده است. این اصل، اقتصاد را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کند و تأکید دارد که بخش خصوصی «مکمل» فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. این تعریف، نقش بخش خصوصی را به عنوان یک نیروی کمکی و پویا به رسمیت می‌شناسد و وظایف اصلی و حاکمیتی را بر دوش دولت قرار می‌دهد، با این حال سخنان اخیر سخنگوی دولت این شائبه را ایجاد می‌کند که دولت قصد دارد بخش خصوصی را به عنوان جانشینی برای وظایف خود معرفی کند.

دولت به عنوان نهاد حاکمیتی، مسئولیت تنظیم‌گری، سیاستگذاری، نظارت و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه اقتصادی را بر عهده دارد. این وظایف، از تأمین زیرساخت‌های اساسی مانند راه، انرژی و ارتباطات گرفته تا تضمین عدالت اجتماعی، امنیت اقتصادی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را شامل می‌شود، اما تکرار مکرر نقش بخش خصوصی در برون‌رفت کشور از مشکلات و اینکه بدون بخش خصوصی نمی‌شود کشور را اداره کرد، این پرسش را تقویت می‌کند که آیا دولت قصد دارد این وظایف را به بخش خصوصی واگذار کند؟ اگر چنین است، پس نقش دولت چیست؟ آیا دولت صرفاً به یک واسطه یا بنگاه معاملات ملکی تبدیل شده است که وظایفش را به بخش خصوصی برون‌سپاری کند و خود تنها سود این معامله را به جیب بزند؟

تأکید بیش از حد بر نقش بخش خصوصی، بدون ارائه چارچوب‌های مشخص و شفاف، می‌تواند تبعات منفی متعددی داشته باشد. بخش خصوصی ذاتاً به دنبال سودآوری است و این ویژگی، اگرچه در جای خود ارزشمند و محرک اقتصاد است، اما نمی‌تواند جایگزین وظایف حاکمیتی دولت شود. به‌عنوان مثال، در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت یا زیرساخت‌های عمومی که سودآوری مستقیم و کوتاه‌مدت ندارند، بخش خصوصی تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهد. در چنین مواردی، این دولت است که باید با استفاده از منابع عمومی و سیاستگذاری‌های کلان، خلأها را پر کند، اما وقتی سخنگوی دولت، بدون اشاره به اقدامات ملموس و دستاوردهای یک‌ساله، صرفاً از نقش ناجی‌گونه بخش خصوصی سخن می‌گوید، این شائبه ایجاد می‌شود که دولت به دنبال شانه خالی کردن از مسئولیت‌های خود است.

در دهه‌های اخیر، خصوصی‌سازی‌های بی‌ضابطه، مانند واگذاری برخی شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، در مواردی به جای بهبود عملکرد، به ناکارآمدی، رانت و حتی تعطیلی واحدهای تولیدی منجر شده است. نمونه‌هایی مانند هپکوی اراک، ماشین‌سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، کشت و صنعت مغان، نیشکر هفت‌تپه یا برخی واحدهای صنعتی دیگر، نشان‌دهنده آن است که خصوصی‌سازی بدون نظارت دقیق و چارچوب‌های قانونی، به توسعه اقتصادی کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند به ضرر منافع ملی تمام شود. این تجربه‌ها نشان می‌دهد دولت نمی‌تواند با تکیه صرف بر بخش خصوصی از مسئولیت‌های خود فرار کند.

یکی از انتقادهای اصلی به اظهارات سخنگوی دولت، کلی‌گویی و فقدان ارائه شواهد عینی از عملکرد دولت است. اگر دولت واقعاً به دنبال همکاری با بخش خصوصی است، چرا به جای شعارهای زیبا، گزارش شفافی از اقدامات یک‌سال گذشته خود ارائه نمی‌دهد؟ بهتر است مردم بدانند دولت در حوزه‌های کلیدی مانند اشتغال، کنترل تورم، بهبود زیرساخت‌ها یا حمایت از تولید چه گام‌های مشخصی برداشته است. به عنوان مثال، در سال گذشته چه تعداد پروژه مشترک بین دولت و بخش خصوصی به نتیجه رسیده است؟ چه میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش‌های کلیدی اقتصاد جذب شده است؟ یا در حوزه نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی، چه اقداماتی برای جلوگیری از رانت و فساد انجام شده است؟

شفافیت در این زمینه‌ها نشان می‌دهد دولت به وظایف خود پایبند است. سخنگوی دولت به جای تکرار کلیشه‌هایی مانند «دست یاری به سوی بخش خصوصی» می‌توانست به اقدامات ملموس اشاره کند، مثلاً اگر دولت در زمینه تسهیل مجوزهای کسب‌وکار، کاهش دیوان‌سالاری یا ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای بخش خصوصی اقدامی کرده است، چرا این دستاوردها به‌صورت شفاف و مستند به اطلاع مردم نمی‌رسد؟

سخنگوی دولت در سخنان خود به نقش دانشگاه‌ها نیز اشاره کرده است. این تأکید، به خودی خود ارزشمند است، اما باز هم بدون ارائه جزئیات به شعاری زیبا تبدیل می‌شود. دانشگاه‌ها می‌توانند در زمینه نوآوری، پژوهش و ارائه راهکارهای علمی برای مشکلات اقتصادی نقش مهمی ایفا کنند، اما این نقش تنها زمانی محقق می‌شود که دولت بسترهای لازم را برای ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و صنعت فراهم کند. آیا دولت برنامه مشخصی برای حمایت از پژوهش‌های کاربردی یا تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه ارائه کرده است؟

شاید مهم‌ترین پرسشی که از سخنان سخنگوی دولت برمی‌آید، این باشد که اگر قرار است همه چیز به بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی سپرده شود، پس دولت چه کاره است؟ دولت به عنوان نهاد حاکمیتی، موظف است سیاستگذاری کند، نظارت داشته باشد، عدالت اقتصادی را تضمین و از منافع ملی حفاظت کند. این وظایف غیرقابل واگذاری هستند.

بخش خصوصی می‌تواند در تولید، سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال نقش مهمی ایفا کند، اما نمی‌تواند جای دولت را در تنظیم بازار، حمایت از اقشار کم‌درآمد یا تأمین زیرساخت‌های عمومی بگیرد. برای مثال، در حوزه تورم که یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد کشورمان است، دولت نمی‌تواند صرفاً با دعوت از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، مشکل را حل کند.

کنترل تورم نیازمند سیاست‌های پولی و مالی دقیق، هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و نظارت بر عملکرد بازار است. آیا دولت در این زمینه‌ها اقدامات مؤثری انجام داده است؟ یا در حوزه اشتغال که یکی از دغدغه‌های اصلی مردم است، دولت چه برنامه‌های مشخصی برای ایجاد شغل پایدار اجرا کرده است؟ اینها پرسش‌هایی هستند که سخنگوی دولت باید به جای کلی‌گویی به آنها پاسخ دهد.

بدون شک همکاری بین دولت، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و نهادهای مختلف می‌تواند به پویایی اقتصاد کمک کند، اما این همکاری باید در چارچوبی مشخص، شفاف و مبتنی بر قانون انجام شود. دولت باید نقش خود را به عنوان تنظیم‌گر و ناظر تقویت کند، نه اینکه وظایفش را به بهانه مشارکت به دیگران واگذار کند.

جان کلام آنکه سخنان سخنگوی دولت در نگاه اول امیدوارکننده به نظر می‌رسد، اما بدون ارائه شواهد ملموس و چارچوب‌های مشخص، به شعاری زیبا تبدیل می‌شود. دولت به عنوان نهاد حاکمیتی، نمی‌تواند وظایف خود را به بهانه همکاری با بخش خصوصی کمرنگ کند.

گزارش

هادی اسماعیلی

با وجود پرداخت فوری تسهیلات به کارکنان و زیرمجموعه‌های بانکی

۵۵۰هزار جوان در انتظار وام ازدواج!

کریم یزدی‌خواه، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»: صف طولانی ۵۵۰هزار نفری جوانان برای دریافت وام ازدواج در حالی شکل گرفته که حجم تسهیلات بانکی سالانه کشور از ۷هزارهزارمیلیارد تومان گذشته است

مصطفی رودکی | میزان

نبود نظارت صحیح بر پرداخت وام‌های درون بانکی از سوی بانک‌های خصوصی و دولتی، به اعطای عمده اعتبارات بانکی به اشخاص خاص و زیرمجموعه‌های خود بانک‌ها منجر و همچنین این موضوع باعث شده است خلق پول شبکه بانکی به یک معضل جدی و موتور تولید نقدینگی غیرمولد و تورم‌زا تبدیل شود و در این بین باید وام ازدواج جوانان با صف بیش از نیم‌میلیون نفری مواجه باشد! به طوری که بر اساس آمار بانک مرکزی از ابتدای سال تا پایان شهریور به ۲۹۱هزار و ۸۵۸ نفر تسهیلات ازدواج پرداخت شده است اما ۵۴۱هزار و ۲۱۵ نفر هنوز در صف هستند.

چرا باید وام ازدواج با مزایای کلیدی و اقتصادی برای بهبود رفاه جامعه و احیای تقاضای کل اقتصاد، با صف بیش از نیم‌میلیون نفری مواجه باشد ولی بانک‌ها به زیرمجموعه‌ها یا کارکنان خود یا فعالیت‌های موازی تولید بدون وقفه و به میزان بسیار زیادی وام دهند.

بانک‌ها به جای حمایت از تولید، مسیر موازی آن و حمایت از فعالیت‌های سوداگرانه، مخرب و موازی تولید را در پیش گرفته‌اند و وام‌های خرد احیاکننده تقاضای کل نظیر وام ازدواج نیز به حاشیه رفته است. آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی مشخص می‌کند برخی بانک‌ها پرداخت تسهیلات ازدواج به اندک مشتریان خود را هم انجام نمی‌دهند. مثلاً بانکی که کمتر از ۱۰۰ متقاضی در صف دارد، برای پرداخت تسهیلات به آنها فقط حدود ۳۰میلیارد تومان منابع نیاز دارد که این رقم برای یک بانک هیچ است اما بانک‌ها همین متقاضیان اندک را هم ماه‌ها در صف نگه می‌دارند.

از طرفی با وجود اینکه بانک مرکزی فقط یک ضامن یا حتی حساب یارانه را برای گرفتن وام ازدواج کافی دانسته است، متقاضیان می‌گویند بانک‌ها بی‌توجه به این دستورالعمل، هر کدام شرایط خاص و پیچیده‌ای را برای ضامن در نظر گرفته‌اند، این در حالی است که در فهرست معوقات بانکی بیشترین عدم‌پرداخت وام مرتبط با همین وام‌های کلان اخذ شده برای حضور در فعالیت‌های سوداگرانه، مخرب و موازی تولید است ولی در مقابل کمترین انحراف در بازپرداخت وام‌ها، برای وام‌های خرد پرداختی به مردم مثل همین وام ازدواج است. وام‌های خرد نظیر وام ازدواج بیشترین میزان اصابت به هدف یعنی تأمین رفاه جامعه و حمایت از تولید را دارند.

وام ازدواج برای زوجین برای رهن مسکن یا خرید وسایل زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به این ترتیب این وام‌ها به شکل مؤثری در راستای تقویت مصرف، احیای تقاضای کل در اقتصاد و همچنین تقویت عرضه و تولید در اقتصاد عمل می‌کنند.

وام ازدواج برخلاف تصور عمومی، تنها یک سیاست حمایتی اجتماعی نیست، بلکه ابزاری اقتصادی برای احیای تقاضای کل و تقویت پیشران‌های تولید است.

اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر با دو چالش همزمان مواجه بوده است: رکود تقاضا در بخش مصرف و کم‌رمقی سرمایه‌گذاری در بخش تولید. یکی از مؤثرترین ابزارها برای مقابله با رکود تقاضا، تزریق هدفمند منابع مالی به خانواده‌هاست و وام ازدواج دقیقاً در همین نقطه عمل می‌کند.

زمانی که ۵۵۰هزار نفر در صف دریافت این وام هستند، یعنی ده‌هاهزار میلیارد تومان تقاضای مؤثر بالقوه در اقتصاد معطل مانده است. در صورت پرداخت بموقع این وام‌ها، بخش قابل‌توجهی از بازار کالاهای مصرفی، لوازم خانگی، پوشاک، خدمات حمل‌ونقل و حتی صنعت مسکن رونق می‌گیرد. علاوه بر آن، این وام‌ها برخلاف وام‌های کلان، تقریباً هیچ انحراف مصرفی ندارند و مستقیماً صرف هزینه‌های واقعی زندگی می‌شوند.

از سوی دیگر، داده‌های بانکی نشان می‌دهد نرخ نکول وام ازدواج بسیار پایین‌تر از میانگین سایر تسهیلات است، این یعنی احتمال بازپرداخت بموقع این وام‌ها بسیار بالا و ریسک اعتباری آن پایین است، بنابراین از منظر مالی نیز هیچ توجیهی برای تعلل بانک‌ها در پرداخت وجود ندارد.

«سوءاستفاده شبکه بانکی» عامل اصلی صف نیم‌میلیونی وام ازدواج

کریم یزدی‌خواه، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به اینکه نظام بانکی ذخیره جزئی ایران بسیار با نظام بانکی سالم فاصله دارد، خاطرنشان کرد: نظام بانکی در اقتصادهای سالم، وظیفه‌ای روشن دارد که این وظیفه مبتنی بر تجهیز منابع خرد مردم و هدایت آن به سمت تولید و فعالیت‌های مولد است اما در ایران، طی دو دهه اخیر، بانک‌ها به جای ایفای نقش واسطه‌گر توسعه، به یکی از موتورهای اصلی رشد تورم، سوداگری و خلق نقدینگی غیرمولد تبدیل شده‌اند.

بخش مهمی از اعتبارات بانکی امروز به فعالیت‌هایی نظیر خرید و فروش زمین و مسکن، معاملات سهام یا واردات غیرضروری اختصاص می‌یابد که هیچ ارزش افزوده واقعی‌ای تولید نمی‌کنند.

نظام بانکی ذخیره جزئی ایران با رویکرد بسیار غلط بانک مرکزی در اعطای کامل قدرت خلق پول به بخش غیرپاسخگو و غیرحاکمیتی منجر شده است که روزبه‌روز خلق پول غیرمولد و رانتی افزایش یابد و عامل اصلی افزایش قیمت ارز و تورم در کشور نیز از محل همین انتقال قدرت خلق پول بدون پاسخگویی به بخش غیرحاکمیتی بوده است که حتی نیازهای اساسی تعیین‌شده در قانون را نیز پاسخ نمی‌دهند.

وی ادامه داد: در مقابل این مدل تسهیلات‌دهی غلط در نظام بانکی فعلی، وام‌های خرد نظیر وام ازدواج، وام فرزندآوری، وام ودیعه مسکن و وام ساخت مسکن هستند که بالعکس موارد قبلی، این تسهیلات دقیقاً همان بخش از اعتبارات بانکی هستند که بیشترین اصابت را به هدف دارند و به تقویت رفاه جامعه و حمایت از تولید داخلی منجر خواهند شد. این وام‌ها هم نیاز واقعی مردم را برطرف می‌کنند و هم در چرخه اقتصاد ملی موجب تحریک تقاضای مؤثر می‌شوند. هنگامی که یک زوج جوان با وام ازدواج وسایل زندگی یا رهن مسکن تهیه می‌کند، ده‌ها شغل غیرمستقیم در حوزه تولید لوازم خانگی، مبلمان، صنایع چوب، حمل‌ونقل، خدمات خانگی و حتی صنعت ساختمان فعال می‌شود اما اکنون همین وام‌هایی که بیشترین کارکرد مثبت را در اقتصاد دارند، با بیشترین مانع مواجهند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به صف طولانی بیش از نیم‌میلیون نفری در انتظار برای دریافت وام ازدواج گفت: صف طولانی ۵۵۰هزار نفری جوانان برای دریافت وام ازدواج، در حالی شکل گرفته که حجم تسهیلات بانکی سالانه کشور از ۷هزارهزارمیلیارد تومان گذشته است. سهم وام ازدواج از این عدد عظیم حتی به ۳درصد هم نمی‌رسد. به‌روشنی می‌توان گفت که مشکل در کمبود منابع نیست، بلکه در انحراف تخصیص منابع است. در حالی که پرداخت وام ازدواج برای یک بانک متوسط تنها به چندده‌میلیارد تومان منابع نیاز دارد، همین بانک‌ها روزانه صدهامیلیارد تومان برای فعالیت‌های وابسته خود هزینه می‌کنند. این رفتار نظام‌مند ضدمردم در میان بانک‌ها تصادفی نیست. از آنجا که بانک‌ها در سود حاصل از فعالیت‌های غیرمولد سهیم هستند و از محل تسهیلات کلان به اشخاص خاص، سود فوری کسب می‌کنند، انگیزه‌ای برای پرداخت وام‌های خرد با بازده اجتماعی بالا ندارند. در واقع، بانک‌ها منابع سپرده‌گذاران را در راستای بیشینه‌سازی سود کوتاه‌مدت خود به کار می‌گیرند، نه برای تحقق منافع جمعی و رشد تولید ملی و این بزرگ‌ترین خطر نظام بانکی ذخیره جزئی در کشور است.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: در این میان، ضعف نظارت بانک مرکزی نقشی تعیین‌کننده دارد. فقدان نظام ارزیابی دقیق عملکرد بانک‌ها در حوزه تسهیلات‌دهی خرد باعث شده است تخلفات آشکار در این زمینه بدون پاسخ بماند. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد برخی بانک‌ها در حالی که هزاران متقاضی وام ازدواج در صف دارند، در ماه‌های اخیر حتی یک مورد پرداخت نداشته‌اند. همزمان با صف نیم‌میلیونی برای وام ازدواج، بانک‌ها در حال پرداخت هزاران‌میلیارد تومان وام کلان به اشخاصی خاص هستند. بخش بزرگی از معوقات بانکی کشور نیز مربوط به همین تسهیلات کلان است. براساس گزارش‌های رسمی، بیش از ۸۰درصد معوقات بانکی مربوط به کمتر از ۲درصد از گیرندگان وام‌هاست. این به آن معناست که عمده خلق پول بانکی نه در خدمت تولید و مردم بلکه در خدمت طبقه‌ای محدود از دلالان و سوداگران قرار دارد و به دلیل نبود نظارت سختگیرانه بر رفتار تسهیلاتی بانک‌ها، این چرخه معیوب همچنان ادامه دارد. بانک مرکزی اگرچه در ظاهر هر چند ماه یک بار موضوع نظارت بر شبکه بانکی و ضرورت پرداخت تسهیلات تعیین شده در قانون بودجه را اعلام می‌کند اما در عمل، نبود شفافیت در عملکرد بانک‌ها و ضعف ابزارهای تنبیهی بانک مرکزی، باعث شده است این دستورها اجرا نشود.

یزدی‌خواه در پایان گفت: برای پایان دادن به این وضعیت، باید نظام تسهیلات‌دهی کشور بازطراحی شود. نخستین گام، ایجاد یک سامانه جامع شفافیت تسهیلات بانکی است تا مشخص شود هر بانک چه میزان از منابع خود را صرف تسهیلات خرد، تولیدی و اجتماعی کرده و چه مقدار به فعالیت‌های غیرمولد اختصاص داده است. دومین گام، اعمال جرایم مالی و نظارتی سختگیرانه برای بانک‌های متخلف است. بانک‌هایی که از پرداخت وام‌های ازدواج و مسکن خودداری یا شروط غیرقانونی برای ضامن تعیین می‌کنند، باید با جریمه‌های سنگین از جمله محدودیت در پرداخت سود سهام گرفته تا کاهش سهم آنها از منابع پرداخت وام بانکی از طریق کاهش قدرت تسهیلات‌دهی مواجه شوند، همچنین لازم است بانک مرکزی نرخ‌های تشویقی برای بانک‌های منضبط در پرداخت تسهیلات خرد در نظر بگیرد. این سیاست می‌تواند به‌صورت تخصیص خط اعتباری ارزان‌تر، معافیت‌های مالیاتی یا حتی اعطای امتیاز در رتبه‌بندی بانکی اعمال شود.

ارتباطات

وزیر ارتباطات: امنیت سایبری در حال ارتقاست

وزیر ارتباطات طرح «تحول دیجیتال دولت» را محور اصلی برنامه‌های این وزارتخانه دانست و با اعلام اینکه تحقق هوشمندسازی کشور بدون سپردن امور به بخش خصوصی امکانپذیر نیست، خبر داد که برنامه جامعی برای ارتقای امنیت سایبری در دست اجراست.

سیدستار هاشمی در نشست صمیمی با فعالان حوزه فاوا، در تشریح برنامه‌های توسعه‌ای این وزارتخانه، بر اهمیت تکمیل پایگاه اطلاعات مکانی (جی‌نف) به عنوان زیربنای حکمرانی داده تأکید کرد و گفت: «همان‌گونه که کد ملی برای ارائه خدمات حیاتی است، تخصیص کدپستی و هویت‌بخشی مکانی نیز ضروری است و استان فارس می‌تواند در تکمیل این پروژه ملی در مناطق روستایی پیشگام باشد.» وی با اشاره به توافقات انجام‌شده میان شرکت مخابرات ایران، استانداری و شهرداری شیراز، از پوشش صددرصدی فیبر نوری در شهر شیراز تا تابستان ۱۴۰۴ و اتصال همه شهرک‌های صنعتی استان به این شبکه طی سه ماه آینده خبر داد.

هاشمی در خصوص توسعه مراکز داده نیز با اصلاح تعبیر «قطب مرکز داده»، توضیح داد: «رویکرد دولت، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی، برق و زمین است و سرمایه‌گذاری برای تجهیز و بهره‌برداری باید از سوی بخش خصوصی و بر اساس توجیه اقتصادی انجام شود، به همین منظور در استان زمین مورد نیاز در محدوده شهر صدرا برای توسعه این مراکز آماده‌سازی شده است.»

اجرای طرح تحول دیجیتال با محوریت بخش خصوصی

وزیر ارتباطات طرح «تحول دیجیتال دولت» را شاه‌بیت برنامه‌های این وزارتخانه دانست و گفت: «بدون سپردن کار به بخش خصوصی، مسیر هوشمندسازی کشور به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.» هاشمی با اشاره به تدوین این طرح با مشارکت سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور افزود: «در اجرای دستور رئیس‌جمهور، محوریت این طرح بر ۱۶ اکوسیستم دیجیتال است و توسعه و عملیاتی کردن اپلیکیشن‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شود.»

به گفته وی تیمی ویژه مأمور شده است تا در آینده نزدیک، جزئیات این طرح را برای فعالان بخش خصوصی در استان فارس تشریح کند. هاشمی همچنین با انتقاد از فعالان استارت‌آپی استان گفت: «ظرفیت‌های بالقوه فارس در این حوزه هنوز بالفعل نشده است. نقش حاکمیت تسهیل‌گری است نه بازاریابی و از بخش خصوصی انتظار داریم با تمرکز بر مزیت‌های بومی مانند سلامت و بهداشت، نمونه‌های موفق و قابل تکثیر برای کشور ارائه کند.»

تقویت امنیت سایبری و حمایت از تولید محتوا

وزیر ارتباطات امنیت سایبری را یکی از موضوعات حیاتی کشور دانست و با اشاره به «پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین حمله سایبری جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم‌صهیونیستی» گفت: «برنامه‌های جامعی با همکاری دستگاه‌های مختلف برای ارتقای امنیت سایبری در دست اجراست.»

وی با استقبال از توسعه آزمایشگاه‌های ارزیابی امنیتی در استان فارس افزود: «وزارت ارتباطات با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و ستاد افتا، برنامه‌ای گسترده برای تربیت نیروی انسانی در حوزه امنیت سایبری دارد، همچنین پروژه تعیین نهاد تنظیم‌گر امنیت سایبری در پژوهشگاه ارتباطات در حال نهایی شدن است تا توسعه صنعتی کشور با تأمین امنیت دیجیتال همراه باشد.»

هاشمی در پایان با تأکید بر ضرورت حمایت از نهضت تولید محتوا در کشور گفت: «استان فارس با ظرفیت‌های تمدنی، تاریخی و انسانی ممتاز خود، می‌تواند پرچمدار این نهضت باشد.»

گزیده خبر

شکاف بین شعار و عمل شرکت ملی پست

شرکت ملی پست با ظرفیت یکی از محورهای زیرساختی کشور، حالا مدعی نقشی کلیدی در اقتصاد دیجیتال شده است. این نهاد با بیش از ۱۶هزار نقطه تماس، انبارهای مکانیزه و شبکه‌ای گسترده، قرار است فراتر از جابه‌جایی بسته‌های پستی، بستری برای اعتماد، داده و اتصال بین مردم، کسب‌وکارها و دولت باشد، اما آیا این غول سنتی واقعاً توانسته است خود را با نیازهای اقتصاد مدرن هماهنگ کند؟

پست ایران، به عنوان یک نهاد دولتی با پوشش سراسری، مزیت‌هایی غیرقابل انکار دارد و شبکه گسترده آن، از روستاهای دورافتاده تا کلانشهرها، دسترسی به خدمات پستی را برای میلیون‌ها نفر فراهم کرده است. این شبکه در سال‌های اخیر با سامانه‌هایی مثل رهگیری آنلاین مرسولات، صدور کد پستی ۱۰رقمی و همکاری با پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، گام‌هایی برای مدرن‌سازی برداشته است.

بر اساس گزارش‌های رسمی، پست در سال ۲۰۲۴ بیش از ۴۰۰میلیون مرسوله جابه‌جا کرده که نشان‌دهنده نقش حیاتی‌اش در تجارت الکترونیک ایران است، بازاری که در سال ۲۰۲۴ ارزشی بیش از ۱۰۷ میلیارد دلار داشته است و در دوران کرونا، پست با تحمل فشار مضاعف، کالاهای ضروری را به دست مردم رساند، هرچند این تلاش با هزینه‌های انسانی سنگینی همراه بود.

علاوه بر این، پست ایران ظرفیت تبدیل شدن به بازیگری کلیدی در خدمات دیجیتال را دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد پست می‌تواند فراتر از لجستیک، در حوزه‌هایی مثل هویت دیجیتال، امضای الکترونیک و حتی رأی‌گیری پستی نقش‌آفرینی کند. نمونه‌های موفق در ژاپن و سنگاپور، جایی که پست به عنوان ستون اعتماد دیجیتال عمل می‌کند، الگویی است که مدیران پست ایران هم در پیام‌های‌شان به آن اشاره دارند، اما آیا زیرساخت‌ها و مدیریت این شرکت برای تحقق چنین چشم‌اندازی آماده است؟

با وجود این ظرفیت‌ها، شرکت ملی پست در عمل با مشکلات عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. اولین مسئله، انحصار دولتی است. پست ایران، به عنوان تنها بازیگر اصلی بازار پستی کشور، با رقبای محدودی روبه‌رو است و این انحصار باعث کاهش انگیزه برای نوآوری و بهبود خدمات شده است.

در حالی که شرکت‌های خصوصی با سرعت و انعطاف بیشتری عمل می‌کنند، پست همچنان درگیر فرایندهای دیوان‌سالاری و تأخیر است. گزارش‌های متعدد از کاربران نشان می‌دهد تأخیر در تحویل مرسولات، گم شدن بسته‌ها و خدمات مشتریان ضعیف، تجربه‌ای رایج است.

دومین چالش، ناکارآمدی عملیاتی است، هرچند شرکت ملی پست ادعای مکانیزه شدن دارد، اما بسیاری از مراکز پستی در شهرهای کوچک و روستاها هنوز با تجهیزات قدیمی کار می‌کنند. کارکنان پست که اغلب با قراردادهای موقت و حقوق پایین مشغول کارند، انگیزه کافی برای ارائه خدمات باکیفیت ندارند. این موضوع در کنار کمبود سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین مثل هوش مصنوعی یا اینترنت اشیا، شکاف بین شعار و عمل را عمیق‌تر می‌کند.

سومین و شاید مهم‌ترین مسئله، اعتماد عمومی است. اعتماد دیجیتال که پست مدعی تقویت آن است، در گرو عملکرد شفاف و قابل اتکاست. اما شکایت‌های مکرر از گم شدن مرسولات و آسیب به بسته‌ها نشان می‌دهد پست هنوز راه درازی برای جلب اعتماد کامل دارد. در حالی که گزارش OECD در سال ۲۰۲۳ بر اهمیت داده‌محوری در پست‌های مدرن تأکید می‌کند، نبود شفافیت در نحوه استفاده از داده‌های مشتریان در ایران، نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی ایجاد کرده است.

شرکت ملی پست برای تبدیل شدن به ستون اقتصاد دیجیتال، نیاز به تحولات عمیق دارد. اول، باید انحصار بشکند و فضا برای رقابت با شرکت‌های خصوصی باز شود. این رقابت می‌تواند انگیزه‌ای برای بهبود خدمات و کاهش هزینه‌ها باشد. دوم، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی مسیرها تا لجستیک سبز برای کاهش اثرات زیست‌محیطی ضروری است. سوم، توجه به نیروی انسانی، از بهبود شرایط کاری کارکنان تا آموزش آنها، می‌تواند کیفیت خدمات را بالا ببرد.

در نهایت، شرکت ملی پست ظرفیت عظیمی برای تبدیل شدن به محور اقتصاد دیجیتال دارد، اما این ظرفیت بدون بازسازی ساختاری، سرمایه‌گذاری و شفافیت، در حد شعار باقی خواهد ماند. روز جهانی پست، فرصتی برای بازنگری در این نهاد کهنه‌کار است که می‌تواند از یک خدمت سنتی به موتور محرکه‌ای برای نوآوری و اعتماد در ایران نوین تبدیل شود.

جزئیات تأمین ارز کالاهای اساسی اعلام شد

بانک مرکزی از ابتدای سال جاری تا ۱۹ مهرماه، ۳۰میلیارد و ۶۸۴میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، صنایع و خدمات تأمین کرده است.

به گزارش صداوسیما، طبق اعلام مرکز مبادله، بانک مرکزی از ابتدای سال تا ۱۹ مهرماه، ۳۰/۷میلیارد دلار ارز برای واردات تأمین کرده که ۷/۸میلیارد دلار آن به کالاهای اساسی و دارو اختصاص یافته است. ذرت، دانه‌های روغنی و روغن در صدر قرار دارند.

بانک مرکزی از ابتدای سال جاری تا ۱۹ مهرماه، ۳۰میلیارد و ۶۸۴میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، صنایع و خدمات تأمین کرده است. از این مبلغ، ۲۱میلیارد و ۹۹۳میلیون دلار به بخش تجاری و بازرگانی اختصاص یافته است، همچنین واردات کالاهای اساسی و دارو با سهم ۷میلیارد و ۸۴۶میلیون دلار در رتبه بعدی قرار دارد.

ذرت، دانه‌های روغنی و انواع روغن خام، نباتی و پالم به ترتیب با ۱/۷، ۱/۱ و یک میلیارد دلار در صدر تأمین ارز کالاهای اساسی قرار دارد.

طی این مدت ۵۸۸میلیون دلار برنج، ۵۲۰میلیون دلار جو، ۳۷۵میلیون دلار گندم و ۳۲۹میلیون دلار گوشت قرمز وارد کشور شده است.

شایان ذکر است، بانک مرکزی از ابتدای سال جاری تا ۱۹ مهرماه، ۸۴۵میلیون دلار ارز برای نیازهای خدماتی و غیربازرگانی کشور تأمین کرده است.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

شناسه آگهی: ۲۰۱۵۴۶۴

آگهی مناقصه (نوبت دوم)

سهامی خاص
شرکت ملی نفت ایران

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه گزار	شماره مناقصه / مناقصه	شرح تقاضا	شماره فراخوان	مبلغ برآورد (ریال/ارز)	مبلغ تضمین
شرکت ملی حفاری ایران	۰۳۰۳۹۴۸۰۰۹	مخزن ذخیره پلی اتیلن ۸۴۰۰۰ لیتری اسید کلر بدریک	۲۰۰۴۰۹۳۹۸۵۰۰۰۶۵۳	۱۹۳/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰

روش ارزیابی: بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد. (حداقل امتیاز ۵۰)
توضیحات: در صورت نیاز گواهینامه های مورد و ... نیاز درج گردد.

تاریخ شروع دریافت: توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت. تاریخ شروع: (از ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۳۰) محل دریافت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir تحویل اسناد: (۱۴۰۴/۰۸/۱۴)
آخرین مهلت: ■ ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد

انواع تضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی (به جزء سبه و باسارگاد) و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد.

مدت اعتبار پیشنهاد / تضمین: ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

تذکر: تحویل اسناد به شرکت: کلیه پیشنهادات در سامانه تدارکات الک